

در ونزوئلا چه خبر است؟

نزاع مادورو برای بقا



سید محمد میرزا محمدزاده

ورود یک قانون‌گذار مخالف دولت بانام خوان گویایدو به این بحران و غیرقانونی خواندن دولت کنونی است؛ و اعلام کرد که آمادگی رهبری دولت موقت را دارد. بیانیه آقای گویایدو به تهنیتی نمی‌تواند در مورد احتمال کودتای نظامی برای سرمداران را همچون شب‌های تیره و تار کرده است؛ مهاجرت‌های میلیونی مردم به مرزهای کشورهای همسایه امان منطقه را بریده است و دولت‌های غربی برای کنار رفتن مادورو از قدرت از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. مادورو که قدرت کمتری در مقایسه با هوگو چاوز، رهبر پیشین کشور، در کنترل اوضاع دارد، برای ماندن در قدرت، در اعطای امتیازات گسترده به اطرافیان کوتاهی نکرده و در شرایط بد اقتصادی، این مسئله مزید بر علت شده است. تاریخ‌نشان داده باوجود چنین شرایطی ادامه حکومت فعلی ممکن نیست، حالا اینکه چطور مادورو از قدرت کنار رود، خود روند پیچیده‌ای است که پیش‌بینی آن بسیار دشوار می‌نماید. آمریکاصحبت از حمله نظامی می‌کند و خود خوب می‌داند این دخالت، در ادامه دخالت‌هایی که حکومت مادورو را منزوی کرده، می‌تواند واکنش‌های بین‌المللی بسیاری را به دنبال داشته باشد که شاید اوضاع را به نفع دولت حاکم ونزوئلا تغییر دهد. از طرفی ارتش ونزوئلا که می‌تواند نقش کلیدی در برکناری مادورو داشته باشد، در حال حاضر منافعی دارد که نمی‌تواند قید آن‌ها را بزند و حاضر است به وی وفادار بماند. اعضای دولت مادورو نیز به دلیل احساس خطر و احتمال پایین کشیده شدن از قدرت، حاضر نیستند او را به چنین کاری مجاب کنند. روزنامه نیویورک تایمز به بررسی شرایط کنونی ونزوئلا پرداخته است.

چرا ونزوئلا در بحران است؟

به‌طور خلاصه، دولت ونزوئلا خود در تخریب نقش داشته و همین موضوع خشم عمومی را به مرز جنون رسانده است. زمانی ونزوئلا ثروتمندترین کشور آمریکای لاتین بود و یکی از قدیمی‌ترین دموکراسی‌های منطقه به‌شمار می‌رفت؛ امروز اما یک کشور ورشکسته است و تورم رو به فزونی، بخش عمده‌ای از کشور را به ورطه فقر و ناامیدی کشانده است. کمبود غذا و دارو فراگیر شده و به دلیل فروپاشی نظم عمومی، آمار جرائم به شدت افزایش یافته است. بیش از سه میلیون ونزوئلایی از کشور گریخته‌اند و بیشترشان پناهنده شده‌اند.

خشم عمومی عمدتاً ناشی از فساد و سوء مدیریت اقتصاد است. دولت با خشونت، قدرت را یک‌سویه و نهادی دموکراتیک ونزوئلا را تخریب کرده، به گونه‌ای که جایی برای به چالش

کشیدن و یا تغییر سرمداران باقی نگذاشته است؛ بر همین اساس بسیاری به خیابان‌ها ریخته‌اند تا با زور قدرت را تغییر دهند.

چرا زخم‌ها سر باز کردند؟

اولین جرقه شدت گرفتن ناراحتی‌ها هم‌زمان با برگزاری مراسم تحلیف نیکولاس مادورو در ماه جاری میلادی شعله‌ور شد. او در انتخابات اخیر که در ماه می (اردیبهشت - خرداد) برگزار شد، برای بار دوم رئیس‌جمهور کشور شد؛ انتخاباتی که به صورت گسترده در داخل و خارج از کشور به اتهام تقلب انتقاد شد.

پس از این انتخابات، شخصیت‌های مخالف دولت و همچنین دولت‌های خارجی شامل بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، رهبری مادورو را غیرقانونی خواندند. بعد از مراسم تحلیف مادورو، معترضان به خیابان ریختند تا همین پیام‌رسانی را بزنند، بلکه با فشار او را از قدرت پایین بکشند.

اما از چند لحاظ، این آخرین گام در بحرانی به‌شمار می‌رود که در چند سال

چرا همه چیز در ونزوئلا به‌هم ریخته است؟

به‌طور خلاصه، همه چیز بعد از کودتای نظامی ناقص و شکست‌خورده هوگو چاوز، پوپولیست چپ‌گرا، در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، کودتایی که بیاتنگر نارضایتی عمومی از حکومت سیاسی حاکم بود؛ او در نهایت در انتخابات ۱۹۹۸ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. در ابتدا آقای چاوز تغییرات عمومی برای جنگ با فساد و فقر انجام داد. هر چند

دیوار ترامپ دیگر توجیه‌نار است؛ ادامه تعطیلی دولت آمریکا

مریم علامه زاده

دو شکست پیاپی در مجلس سنا برای بازگشایی دولت، نشان می‌دهد که دونالد ترامپ دیگر حتی نمی‌تواند روی اکثریت جمهوری خواهان برای حمایت از وی، حساب باز کند.

به نظر نمی‌رسد دونالد ترامپ این موضوع را درک کرده باشد، اما اهرم‌های فشار او برای تداوم تعطیلی دولت، پس از شکست دورای گیری برای بازگشایی دولت در روز پنج‌شنبه (چهارم بهمن‌ماه)، دیگر زوری ندارند. حالا سؤال اینجاست: آیا میچ مک‌کانل، رهبر اکثریت و جمهوری خواهان سنا اجازه می‌دهند که او همچنان خلاف جریان شنا کند و آرام آرام در حالی که مردم از عواقب تعطیلی دولت در رنج هستند، حامیانش را از دست بدهد یا آن‌که در نهایت به این بحران و آشفتگی پایان می‌دهند؟

بلومبرگ در تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخت و نوشت: اول از همه باید بدانیم سنا چه کاری کرده است. نه طرح ترامپ و نه طرح جایگزین دموکرات‌ها هیچ کدام موفق به کسب ۶۰ رأی مورد نیاز برای شکست دیگری نشدند؛ اما دو جمهوری خواه تام کاتس از آرکانزاس و مایک لی از یوتا با لایحه ترامپ مخالفت کردند و در مقابل صرفاً یک دموکرات، جو مانشین، از ویرجینیای غربی با وی همسو شد. با توجه به غیبت یک دموکرات و دو جمهوری خواه مجموعاً به طرح ترامپ به ۵۰ در مقابل ۴۷ رسید. با انتخاب معیارهایی که بیشتر مصالحه به‌شمار می‌روند، تعداد بیشتری از دموکرات‌ها را با خود همسو کند. هر چند که با توجه به اضافه شدن محدودیت‌ها به پناهجویی و وضعیت حفاظت موقت و ارائه محافظت محدود انگیزه کمی برای دموکرات‌هایی باقی ماند که به دنبال یک توافق بودند. در عوض این آرنشان داده ساده‌ای برای پذیرش شرایط ترامپ وجود ندارد؛ موضوعی که هزینه کمی برای دموکرات‌ها به همراه داشت (از دست دادن یک رأی دموکرات‌ها) و در مقابل برای ترامپ گران تمام شد و دو جمهوری خواه را از دست داد.

در مقابل طرح دموکرات‌ها به‌منظور بازگشایی دوباره دولت تا زمان تداوم مذاکرات برای امنیت مسرز که به‌راحتی رأی مجلس نمایندگان را از آن خود کرد، اقبال خوبی در سنا داشت و شش جمهوری خواه به دموکرات‌ها پیوستند و آرا را به ۵۲ در مقابل ۴۴ رساندند؛ هر چند که تا ۶۰ رأی مورد نیاز فاصله داشت، اما حداقل اکثریت بود و از طرح ترامپ بیشتر رأی آورد.

با این وجود دولت آمریکا همچنان تعطیل می‌ماند و اکثریت جمهوری خواه سنا موفق شد سریع‌ترین راه برای بازگشایی دولت را مسدود کند، معیاری که به عقیده بسیاری ثابت می‌کند مسائل حزبی در کرسی‌های کنگره‌ها رجحیت دارد. اگر یک کاخ سفید متعادل وجود داشت، حالا باید شاهد پایان این بازی می‌بودیم؛ نوعی از مصالحه که در آن رئیس‌جمهور می‌توانست مدعی شود به توافقی رسیده و مجالس نمایندگان و سنا هر دو با اکثریت به چنین مصالحه‌ای رأی مثبت می‌دادند.

پس از این رأی گیری صحبت‌هایی از یک لایحه بودجه سه‌هفته‌ای برای تداوم مذاکرات مطرح شد. مک‌کانل و چاک شومر ظاهر آدر تلاش بودند به نوعی از توافق دست یابند. هشت نماینده جمهوری خواه سنا از چنین طرحی استقبال کردند، احتمالاً بعد از رأی گیری‌های این تعداد افزایش نیز داشته باشد.

هر چند که ترامپ در واکنش به این آرا خواستار شد که هر توافق کوتاه مدتی برای بازگشایی شامل تأمین ساخت دیوار وی باشد. از این اظهار نظر می‌توان نتیجه گرفت که او کلاً متوجه موضوع نشده است. او رأی یک دموکرات به نفع طرح خود را به فال نیک گرفته و از کاسته شدن دورای جمهوری خواهان چیزی درک نکرده است؛ او حتی مسئله شکست در رأی برای طرح جایگزین دموکرات‌ها را نیز نفهمیده است. باوجود این نتایج، کاخ سفید خود را برای تهیه پیش‌نویسی به‌منظور اعلام وضعیت فوق‌العاده در مرز جنوبی آماده می‌کند. دموکرات‌ها اظهار آمادگی برای مذاکره کرده‌اند، آن‌ها در مجموع ۵۵ میلیارد دلار برای امنیت مرز در سال آتی در نظر دارند، اما معتقدند این هزینه باید برای حفاظت از فناوری‌های هوشمند استفاده شود و نظام مهاجرات کلی را بهبود ببخشد.

خود از جمله ارتش، شروع به پارتی‌بازی و تقسیم قدرت بین نزدیکانش کرد. مادورو، معاون وی، جانشین او پس از مرگش شد و از آنجایی که قدرت کمتری نسبت به چاوز در رهبری کشور داشت، در پارتی‌بازی و تقسیم ثروت شدیدتر عمل کرده؛ این در حالی بود که بحران اقتصادی کشور شروع شده بود و پول کمتری برای خرج کردن وجود داشت. به همین منظور مادورو شروع به چاپ پول بیشتر کرد؛ این موضوع به تشدید تورم منجر شد و تهیه کالاهای ضروری را غیرممکن کرد؛ در نتیجه او نهادهای نظارتی قیمت بنانهاده و نرخ ارز را ثابت اعلام کرد؛ این مسئله منجر به قحطی شد و هزینه واردات افزایش یافت و کسب و کارها تعطیل و غذا و دارو نایاب شدند؛ این چرخه بسیاری از ونزوئلایی‌ها را به فقر کشانده بسیاری از اعضای پلیس و ارتش که در تأمین نیازهای اولیه خانواده خود دچار مشکل بودند، به سمت بازار سیاه و قاچاق روی آوردند. دسته‌های جنایتکاران کنترل خیابان‌های شهر را در دست گرفتند و میزان قتل در کشور به حدی بالا رفت که رکورد جهانی را به نام خود کرد.

بحران به سوسیالیسم و امپریالیسم غربی ربط داشت؟

این نگاهی پوپولیستی است که اکثر کشورهای قاره آمریکا به آن باور دارند، (از جمله مکزیک، ها، برزیل، ها و دیگر کشورهای آمریکای لاتین) آن‌ها و خلعت اوضاع ونزوئلا را گواهی بر خطر ناک بودن مخالفین سیاسی داخلی می‌دانند. به‌طور قطع چاوز، چپ‌گرای متعهدی بود که به شدت بر برنامه‌های اجتماعی تمرکز کرده بود و بخش بزرگی از اقتصاد کشور را ملی کرده؛ موضوعی که نقش برجسته در بحران کشورش بر عهده داشت. همچنین اینکه ایالات متحده مخالفان حاکمیت وی بود و همه تلاشش را به کار گرفت که تأثیر وی بر آمریکای لاتین را کاهش دهد، بر کسی پوشیده نیست، سیاستی که بسیاری در منطقه آن را دخالت‌آمده‌دار چند دهه‌ای امپریالیسم می‌خوانند. اما بسیاری از کارشناسان در حوزه ونزوئلا یا دموکرات‌های عقب‌نشسته این کشور، چنین تفاسیری را رد می‌کنند؛ آن‌ها بحران ونزوئلا را بر آمده از فاکتورهایی می‌دانند که می‌تواند در داخل هر دموکراسی وجود داشته باشد و این فاکتور هادر سرتاسر دموکراسی‌های جهان در حال گسترش است: قطعی شدن سیاست، عدم اعتماد به نهادها و تمایل برای ورود یک رهبر قوی برای اعمال نظم در کشور. این کارشناسان بر تمایلات ضد حکومتی علیه چاوز و رهبر

ادامه این موضوع به کجای می‌رسد؟

دو مجموعه باز یگر عمده وجود دارد که می‌توانند مادورو را وادار به پایین آمدن از قدرت کنند. اولین مجموعه، اعضای خود دولت مادورو هستند؛ کسانی که از افزایش تنش‌ها نگران شده‌اند و می‌ترسند به زندان بیفتند یا بدتر از آن از قدرت کنار کشیده شوند؛ بر این اساس ممکن است دستشان از منابع کوتاه‌شود و هر ده‌سایر مردم در اوضاع فقیر شوند. گروه دوم اعضای ارتش ونزوئلا هستند، گروهی که احتمالاً مادورو با هوشمندی از دست‌نور به آن‌ها برای سرکوب معترضان خودداری کرده است. برخی افسران پایین مقام، علیه مادورو به پا خواسته‌اند، اما باقی آن‌ها به وی وفادارند. آن‌ها کسانی هستند که به‌صورت گسترده از منافع نظامی خود بهره‌مند می‌شوند و مادورو به آن‌ها قدرت کنترل بازار سیاه را اعطا کرده است و می‌تواند با برخی منابع طبیعی کشور تجارت کنند. هر کدام از این دو دسته که مادورو را از قدرت برکنار کند و وی از پذیرش آن سر باز زند، پیش‌بینی شرایط بعد از آن بسیار دشوار است؛ در طول تاریخ مثال مشابه با چنین شرایطی بسیار کم بوده است. از یک طرف، با توجه به شرایط پیچیده خارج از کنترل، اینکه بگویم حاکمیت پابر جامی ماند، غیرممکن است؛ از طرف دیگر به برخی عنوان می‌کنند که در طول یک، دو یا سه سال گذشته شرایط رو به افول و اسفناک خود را بر دوش کشیده است و می‌تواند این شرایط را ادامه دهد.

زمانی ونزوئلا ثروتمندترین کشور آمریکای لاتین بود و یکی از قدیمی‌ترین دموکراسی‌های منطقه به‌شمار می‌رفت؛ امروز اما یک کشور ورشکسته است و تورم رو به فزونی، بخش عمده‌ای از کشور را به ورطه فقر و ناامیدی کشانده است

طلبی مخالفان تمرکز کرده‌اند، موضوعی که به‌صورت خاص به رهبران چپ یا راست توجه ندارد.

انتخاب رهبر مخالفان از سوی آمریکا چه اهمیتی دارد؟

این موضوع اهمیت چندانی ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که مردم کشوری ببینند رهبرشان حقانیت بین‌المللی خود را از دست داده است، احتمال سقوط آن دولت به حد اکثر می‌رسد. از طرفی شناختن گویایدو به‌عنوان رهبر مخالفان از سوی آمریکا و رئیس‌جمهور قانونی کشور، می‌تواند امکان دسترسی وی به دارایی‌های ضبط‌شده ونزوئلا در ایالات متحده را فراهم آورد.

با این حال، همچون روز روشن است که دولت ترامپ با مسدود و مخالف بود و نمی‌خواست وی در قدرت باشد و در این مسئله تغییری ایجاد نشده است. این موضوع در مورد دیگر کشورهای آمریکای لاتین که گویایدو را به رسمیت شناخته‌اند نیز صق می‌کند. با وجود آنکه مقامات آمریکایی اشتیاق خود برای دخالت نظامی به‌منظور پایین کشیدن مادورو را نشان داده‌اند، شواهد خلاف این موضوع را نشان می‌دهد و دخالت نظامی بعید است. چنین مداخله‌ای احتمالاً چندین ماه زمان نیاز داشته باشد و از طرفی هیچ حامی در ارتش آمریکا، افکار عمومی یا در اقدام ندارد. ضمن آنکه نحوه چنین اقدام نظامی مشخص نیست و در صورت وقوع هیچ تکلیفی برای برکناری مادورو ندارد و از طرفی چنین حمله‌ای واکنش قطعی جامعه بین‌المللی و حتی واکنش داخلی در ونزوئلا را به دنبال خواهد داشت.

